



۲۰۱۹/۰۸/۱۸

م. اسحاق نگارگر

## مقصود ما از حصول آزادی چه بود؟

\*\*\*\* \* \* \* \* \*

اهل دُنیا را به نهضت گاه آزادی چه کار؟  
درمزابل فارغند از بوی گل کناس ها  
(بیدل)

«آزادی» مقوله بسیار دُشوار است تا بدانجا که این مقوله تعریف مشخص و قابل پذیرش ندارد و به همین دلیل برخی ها پنداشته اند که در دنیای علایق آزادی مُحال است. صحبت را از همین بیتِ بیدل آغاز میکنم. بیدل میگوید:

اهل دنیا سر و کاری با مقوله آزادی ندارد زیرا که نهضتگاه مکان درنگ نیست بلکه نهضت همیشه ایجاب حرکت ارتقایی و رو به جلو را میکند و در جا ماندن و یا مسکین محکوم بر زمین بودن آزادی حرکت را سلب میکند و انسان در گیر هزاران احتیاج و علاقه حکم کناس را دارد.

کناس جاروکش؛ زباله کش؛ پاک کننده چاه های بیت الخلا می باشد و بیدل اینجا قصداً شغلی را ذکر میکند که دل و دماغ هر دو از آن اشمزاز دارد و هیچ کس از روی میل و اختیار این شغل را انتخاب نمی کند و گرفتاری به کناسی خود نوعی جبر است و اما آن که گرفتار این شغل گردیده و همیشه سر و کارش با مزابل و بیت الخلا هاست و بنا بر این کناس از بوی گل فارغ است و اما از این بیت دو چیز دیگر را نیز در می یابیم.

نُخست در کناسی پیشرفت یا نهضت وجود ندارد. در هر شغل دیگر آدم از نخستین مرحله آن شغل آغاز می کند و به مرحله تخصصی و تَبَحُّر در آن شغل میرسد و به اصطلاح هر پوهیالی با زحمت و تلاش به مقام پوهاندی میرسد و طبعاً در مقام پوهاندی در شغل خود کسب اختیار و آزادی بیشتر میکند ولی کناس بیچاره همیشه همان کناس باقی میماند.

دوم: گل آزادی عطر دارد که این عطر دل و دماغ را تازه نگاه میدارد و حرکت به سوی نهضت گاه آزادی را آسان تر می سازد ولی کناس بیچاره در مزابل برای همیشه از عطر آزادی محرومست. اینجا به یک بدیهی دیگر می رسیم

که به خاطر بدیهی بودن خود از استدلال بی نیاز است و آن اینکه آزادی مقوله نسبی است و هیچ کس به طور مطلق آزاد نیست اما درجه آزادی اشخاص و جوامع نظر به موقعیت شان کم یا زیاد می شود.

اگر به زبان ریاضی صحبت کنیم می توانیم بگوییم که انسان بر روی ویکتور آزادی از بی اختیاری به سوی اختیار و یا از اسارت به سوی آزادی سیر می کند.

با این مقدمه بدان پرسش اساسی می رسیم که مقصود ما از حصول آزادی چه بود. ما در طول تاریخ شاهد بوده ایم که زورمندان آزادی دیگران را سلب کرده اند تا از نیروی کار و منابع اقتصادی شان استفاده کنند.

کمزوران همیشه به بردگی و مزدوری افتاده اند و برای دیگران کار کرده اند. برده جنگ را باخته و کارش به بردگی کشیده است. ما بارها به دلیل ضعف و کندی حرکت خود به سوی نهضت گاه آزادی خود را از دست داده ایم و باز برای حصول آن تلاش کرده و قربانی ها داده ایم ولی نفهمیده ایم که آزادی دارای شرایط و اوصاف است و شرط اول آن این است تا مردم نیازمند نباشند و مجبور نشوند که برای فروش نیروی کار خود به سوی دیگران بروند و غرور خود را به خاطر یک لقمه نان بازیچه دیگران نبینند.

ما بر کارگر و صنعتگر آزاد نمی توانیم فخر بفرشویم زیرا که نیازمند کار و مهارت او هستیم. پیشرفت انسان ها بر روی ویکتور نهضت تشناب های عصری به وجود آورده و انسان را از اسارت کناسی نجات داده است.

ما بدبختانه به مقصودی که از حصول آزادی داشته ایم نرسیده ایم؛

سواد و تعلیم و تربیه را در دیار خود رواج عام نداده ایم و هنوز هم در میان ما ذهنیت های سخت عقبرگرا وجود دارد که نمی خواهند خون تعلیم و تربیه در رگ های جامعه و به طور خاص در رگ های زنان جریان پیدا کند.

ثروت های زیر زمینی ما در انتظار مهارت متخصصان جوان افتاده است. آزادی یا بهتر است بگوییم سیر به سوی نهضت گاه آزادی ایجاب کار؛ مسؤولیت و عشق و علاقه به کار دارد. هیا هو و اعلام اینکه آی جهانیان بدانید که ما آزاد هستیم و صد سال میشود که آزاد بوده ایم در ذهن های ما غرور کاذب می آفریند. آزاد وقتی می شویم که در خانواده ملت های جهان با گردن افراخته بایستیم و دیگران برای تعیین سرنوشت ما با هم چانه زنند و برای ما تعیین تکلیف نکنند و ما نیز سهم خود را در نهضت های علمی و فرهنگی جهان ادا کنیم .

آزاد وقتی خواهیم بود که نیروی جوان ما را فقر و نومیدی در گرداب مواد مخدر غرق نکند. آزادی را از حافظ بیاموزیم :

## غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ++ زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

اگر ضعیف و محتاج بمانیم نمی توانیم آزادی را حفظ کنیم. ما به رهبرانی نیاز داریم که به جای غرور کاذب در پیکر خسته جامعه ما نیروی اعتماد به نفس و خون نهضت و فردای بهتر را به جریان بیندازند و ما را از شر رکود و کسالت نجات بدهند. امیدوارم نسل جوان ما آزادی افغانستان سرشار از نیروی اتکا به خود و توانایی خود را جشن بگیرند و جامعه را از این حالت کناسی که عطر گل آزادی به مشامش نمی رسد رها سازند.

باعرض حرمت و ارادت نگارگر ۱۷ آگست ۲۰۱۹ برمنگهم

\*\*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیک"ی بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

مقصود ما از حصول آزادی چه بود؟

i\_negargar\_۰۶\_maqsud\_az\_azadi\_tshibud.pdf